

نقدی بر کتاب جهان پسا - آمریکایی

حسین پوراحمدی میبدی*

امیر عباسی خوشکار**

چکیده

کتاب جهان پسا - آمریکایی، نوشته فرید زکریا، به مختصات تحولات در عرصه جهانی عمدتاً در حوزه‌های سیاسی - اقتصادی می‌پردازد. نویسنده ظهور قدرت‌های اقتصادی چین، هند، و برزیل را جزو تغییرات مهم در ساختار نظام بین‌الملل می‌داند که عرصه را برای آمریکا تنگ‌تر کرده‌اند. این قدرت‌ها با استفاده از منابع داخلی در تعامل با محیط بیرونی، ضمن کسب قدرت اقتصادی، به امتیازخواهی‌های سیاسی روی آورده‌اند و قصد چشم‌پوشی از سهم خود را از کیک قدرت جهانی ندارند. زکریا به این پدیده نوظهور «خیزش دیگران» می‌گوید. آمریکا در دوره پسا جنگ سرد در مقایسه با رقبای راه‌بردی خود دچار افول نسبی شده است و راه‌حل زکریا برای بهبود نسبی وضعیت آمریکا در جهان پسا - آمریکایی روی آوردن این کشور به چندجانبه‌گرایی و پذیرش محدودیت‌های ساختاری پیش‌روست. زکریا در این کتاب با ارائه شاخص‌های قدرت مادی و غیرمادی مانند اقتصاد، دیپلماسی سیاسی، قدرت اقناع‌کنندگی، و قدرت نرم در پی بهره‌گرفتن از شاخص‌های کمی و کیفی برای اثبات مدعای خود است.

کلیدواژه‌ها: جهان پسا - آمریکایی، خیزش دیگران، چین، هند، چندجانبه‌گرایی.

۱. مقدمه

فرید زکریا نویسنده، محقق، روزنامه‌نگار، و مجری هندی - آمریکایی در شبکه CNN آمریکاست که در زمینه مسائل روابط بین‌الملل و سیاست خارجی آمریکا مطالبی را

* استاد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی - hourahmadi@sbu.ac.irh

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، khoshkar1392@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۲

به‌رشته تحریر درآورده است. زکریا تا ۲۰۱۶ م پنج کتاب به نام‌های مبارزه آمریکایی (The American Encounter 1998)، از ثروت تا قدرت (From Wealth To Power 1999)، آینده آزادی (Future Of Freedom 2003)، جهان پسا-آمریکایی (The Post-American World 2008)، و در دفاع از آموزش لیبرال (In Defense Of A Liberal Education 2015) را تألیف کرده است. کتاب جهان پسا-آمریکایی را احمد عزیزی برای نخستین بار در ۱۳۹۳ ش به فارسی ترجمه کرد و در ۲۷۵ صفحه و هفت بخش به‌چاپ رساند. پس از جنگ سرد و به‌طور خاص پس از حملات یازدهم سپتامبر در ۲۰۰۱ دو رویکرد غالب در سیاست خارجی آمریکا پی‌گیری شد: رویکرد اول مبتنی بر نگاه تک‌قطبی و هژمون‌خواهی عمدتاً جمهوری خواهانه بود که تا اواخر دوره بوش پسر ادامه پیدا کرد و رویکرد دوم مبتنی بر چندجانبه‌گرایی بود که در دوره اوباما دنبال شد. کتاب جهان پسا-آمریکایی در چهارچوب ادبیات دسته دوم قرار می‌گیرد و از این لحاظ منبعی آموزنده و سرشار از اطلاعات و تصویرسازی‌های قوی و واقع‌بینانه از روابط بین‌الملل، سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های درحال ظهور، و تبیین الگوهای حاکم بر سیاست خارجی آمریکاست.

خلاصه‌ها و نقدهایی که به کتاب جهان پسا-آمریکایی شده است در دو دسته نقدهای فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان قرار می‌گیرند. در جست‌وجوهای انجام‌شده در منابع فارسی‌زبان مطالب عمدتاً بر محور معرفی کتاب در چند پاراگراف و اطلاعاتی برای فروش کتاب است. در منابع فارسی‌زبان مقاله پژوهشی و تحقیقی‌ای درباره نقد این کتاب وجود ندارد. دو یادداشت بدون ذکر نام نویسنده در دو سایت ایران دیپلماسی (<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/4338>) و پژوهشکده مطالعات آمریکا (<http://usrin.iwstudies.com/index.jsp>) به زبان فارسی به‌صورت بسیار موجز و خلاصه و بدون نقد و ارزیابی منتشر شده است. در منابع انگلیسی‌زبان در مجلات و روزنامه‌های مختلف این کتاب به‌صورت موجز و کوتاه معرفی شده است که در این جا به دو مورد اشاره می‌شود. در زبان انگلیسی دو مقاله کوتاه از دو نویسنده به‌چاپ رسیده است. جفری بارلو (Barlow 2009) در مقاله‌ای کوتاه به‌نام «مروری بر کتاب جهان پسا-آمریکایی محورهای مهم بحث کتاب را در قالب تحولات فناوری، اقتصادی، و سیاسی جهانی خلاصه کرده است. امتیاز باهاتی (Bahatti 2009) در نقدی بر کتاب زکریا به ذکر چند نکته بسنده کرده است. اول این‌که زکریا در ارائه تصویری دقیق از مسائل سیاست خارجی آمریکا ناکام مانده است و درخصوص بحران عراق بعد از ۲۰۰۳ م حرفی برای گفتن ندارد. دوم، او درباره اشتباه‌های گذشته آمریکا بحثی جدی ارائه نکرده است. این ضعف در جنگ ویتنام و

ناکامی‌های آمریکا در دوره جنگ سرد بیش‌تر به چشم می‌آید و درنهایت، از پیچیدگی‌های حاکم بر اقتصاد جهانی در این کتاب کم‌ترین اطلاعاتی موجود نیست. مقاله حاضر به ارائه خلاصه و محورهای مهم نظری حاکم بر کتاب *جهان پسا - آمریکایی* و نقد و ارزیابی آن خواهد پرداخت. در این چهارچوب در بخش اول، به ارائه خلاصه‌ای از نکات و ادعاهای نظری کتاب خواهیم پرداخت. در بخش دوم، رویکرد اصلی نویسنده کتاب در کنار دیگر رویکردها به بحث و بررسی گذاشته خواهد شد. در بخش سوم، در چهارچوب نقد شکلی و محتوایی کتاب نکاتی بیان خواهد شد. روش پژوهش مقاله پیش‌رو روش تبیینی و انتقادی است و برای جمع‌آوری داده‌ها و منابع از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۲. بخش اول: خلاصه کتاب

کتاب *جهان پسا - آمریکایی* از هفت بخش تشکیل شده است. در بخش اول با عنوان «خیزش دیگران» زکریا از سه جابه‌جایی در ساختار قدرت جهانی طی پانصد سال گذشته بحث را آغاز می‌کند (زکریا ۱۳۹۳: ۴) در بخش دوم که با عنوان «فئوجان لبریز می‌شود» نام‌گذاری شده است از تحول و انتقال از نظم قدیم به نظم جدید که با بروز مشکلات اقتصادی و زیست‌محیطی و ظهور دیگر قدرتهای اقتصادی در سطوح منطقه‌ای و جهانی ایجاد شده است مباحثی مطرح شده است. بحث اول در این بخش تحول در مناطق خاورمیانه است که ظهور بنیادگرایی اسلامی از جمله مهم‌ترین تحولات در این منطقه به‌شمار آمده است. این تحول در ساختار قدرت جهانی سبب‌ساز انتقال قدرت نشده است (همان: ۱۳-۱۶). ساختار اقتصاد جهانی در نتیجه تحولات حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و قدرت‌طلبی فرصت‌طلبانه برخی قدرتهای نوظهور دچار تحول اساسی شده است. زکریا تحولات یادشده را در صفحات ۲۵ و ۲۶ این‌چنین تصویر می‌کند:

حرکت آزاد سرمایه نیروی مالی محرک این دوره جدید پدیده‌ای نسبتاً تازه است. در کنار پولی که آزادانه جریان دارد انقلاب دیگری در حوزه سیاست‌ها نیز رخ داد: گسترش بانک‌های مرکزی مستقل و مهار تورم. تورم افسارگسیخته بدترین بیماری اقتصادی است که می‌تواند گریبان‌گیر ملتی شود. این مصیبت ارزش پول، پس‌اندازها، سرمایه‌ها، و در نتیجه، مشاغل را ریشه‌کن می‌سازد و خسارتی بیش از یک رکود اقتصادی شدید دارد (زکریا ۱۳۹۳: ۲۷).

فضای جهان اقتصادی پسا- آمریکا بر محور خیزش دیگر قدرت‌ها و خارج شدن آمریکا از محوریت نظم‌بخشی و سلطه‌طلبی اقتصادی و سیاسی در جهان است. زکریا شکل‌گیری ساختارهای قدرت سیاسی - اقتصادی پسا- آمریکا را این‌گونه تشریح می‌کند:

متخصصان علوم سیاسی خاطرنشان ساخته‌اند در جهانی که همه احساس توان‌مندی می‌کنند، کشورها می‌توانند با گذار کامل از محور غربی به مناسبات خود با یک‌دیگر انسجام دهند. ممکن است در یک جهان پسا- آمریکایی اصولاً محوری نماند که بتوان با آن هم‌گرا شد ... شاید توصیف جهان قرن بیست‌ویکم به‌عنوان مسیرهای نقطه‌به‌نقطه با نقشه‌های پروازی جدید که روزانه مشخص می‌شود مناسب‌تر باشد. مرکز توجهات تغییر کرده است. کشورها بیش‌ازپیش به یک‌دیگر و به داستان خیزش خود و کم‌تر به غرب و آمریکا توجه دارند (همان: ۴۰).

بخش سوم برتری غرب را در آغاز استثمار شرق و حفظ توانایی‌های فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی الهام‌بخش و سازنده پایه‌های قدرت تمدن غرب می‌داند. قدرت‌های درحال ظهور با اضافه شدن به صحنه قدرت جهانی درصدد زدن مهر خود بر مدرنیته دست‌ساز غرب هستند. حضور فرهنگی و اقتصادی توأمان قدرت‌های آمریکای لاتین و آسیا برتری و یک‌دستی مدرنیته غربی را به چالش کشیده است.

بخش چهارم به ظهور چین و تعامل اقتصادی مسالمت‌آمیز این کشور بعد از ۱۹۸۰ میلادی با غرب پرداخته است. تحول اقتصاد سیاسی سیاست خارجی چین بر مبنای تحولات فرهنگی و نخبگی حاکم بر این کشور ارزیابی شده است. چین نیز همانند هر کشور غیرغربی دیگر برای بالندگی در قرن بیست‌ویکم کوکتل فرهنگی خود را آماده ساخت که بخشی از آن شرقی و بخشی غربی است (همان: ۱۱۹).

بخش پنجم کتاب به سیاست خارجی هند و عوامل تأثیرگذار در رشد اقتصادی چند دهه اخیر اختصاص دارد. زکریا تفاوت رشد اقتصادی هند و چین را در عوامل زیر جست‌وجو کرده است. به نظر او:

در چین دولتی مقتدر ناظر رشد آن است. پکن تنها با تشخیص نیاز کشور به فرودگاه‌های جدید شاه‌راه‌های هشت‌خطه و پارک‌های صنعتی پرزرق‌وبرق ظرف چند ماه آن‌ها را می‌سازد ... رشد هند نه به‌واسطه دولت آن، که به‌رغم دولت آن است. این رشد نه از بالا به پایین، که از پایین به بالاست؛ به‌هم‌ریخته، آشفته، و تاحد زیادی برنامه‌ریزی نشده. بخش خصوصی واقعی، حقوق مالکیت و قراردادهای جاافتاده،

دادگاه‌های مستقل، و حکومت قانون از مزیت‌های عمده این کشور است. بخش خصوصی هند ستون فقرات رشد این کشور است (همان: ۴۱).

در بخش ششم با عنوان «اقتدار آمریکا» شباهت افول آمریکا و امپراطوری بریتانیا به علت زیاده‌روی در نظامی‌گری و شکست در جنگ‌های یک‌جانبه با دولت‌های ضعیف مقایسه شده است. در حوزهای مختلف اقتصادی اقتدار صنعتی و مالی آمریکا به چالش کشیده شده است. «رشد منطقه پولی یورو با نرخ ۶۵ درصد در حال پشت‌سرگذاشتن آمریکاست و جمع درآمدهای بانکی و تجاری اروپا نود و هشت میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ تقریباً با درآمدهای صد و نه میلیارد دلاری آمریکا هم‌تراز شده است» (همان: ۲۱۱). در بخش آخر با عنوان «عزم آمریکا» ضمن جمع‌بندی تحولات ذکر شده ساختاری در بخش‌های قبلی به نقاط ضعف و قوت آمریکا در برخورد با وضعیت موجود اشاره شده است (همان: ۲۳۷). در صفحه ۲۴۱ کتاب، زکریا به تصمیم‌سازان سیاست خارجی آمریکا پیشنهاد می‌کند به ایفای نقش جدید در سیاست بین‌الملل بپردازند. زکریا با یادآوری وقایع قرن نوزدهم میلادی در اروپا می‌نویسد:

این کشور [آمریکا] قابلیت آن را دارد که همان چیزی بشود که آلمان در اواخر قرن نوزدهم به کمک بیسمارک شد واسطه‌امین (Honest Broker) اروپا دارای مناسبات نزدیک با هریک از کشورهای عمده و نزدیک‌تر از پیوند موجود بین آن کشورها با هم. این کشور مرکز ثقل نظام اروپایی بود. لازمه واسطه‌جهانی بودن نه فقط درگیر بودن دولت آمریکا، که جامعه آن است ... نقش جدید با نقش سنتی یک ابرقدرت کاملاً متفاوت و مستلزم مشورت همکاری و حتی وفاق است. کسب اقتدار این کشور از راه تعیین دستور کار، تبیین مسائل، و ایجاد ائتلاف‌ها می‌گذرد. این یک نقش پایگاهی بالا به پایین نیست که آمریکا خود تصمیم‌گیرنده باشد و آن را صرفاً به اطلاع جهانی شاکر (یا خاموش) برساند. دلیل آن نیز این است که در جهانی با بازیگران بسیار تعیین دستور کار و سامان‌دهی ائتلاف‌ها از اساسی‌ترین اشکال قدرت است. یک رئیس هیئت‌مدیره با توان هدایت متین گروهی از مدیران مستقل هنوز مدیری مقتدر است (همان: ۲۴۲).

در پایان، زکریا شش پیشنهاد برای بهره‌گیری آمریکا از فرصت‌های موجود، مدیریت مدبرانه‌تر سیاست جهانی، و کاهش افول این کشور ارائه کرده است. قاعده‌سازی و پیروی از قواعد ساخته‌شده مبتنی بر چندجانبه‌گرایی بین‌دولتی خلاصه پیش‌نهادهای او را تشکیل می‌دهد. رفتار مبتنی بر کسب مشروعیت جمعی و خارج‌نشدن از ساختارهای حقوقی و رضایت‌آمیز چندجانبه بخش دیگری از پیش‌نهادهای او را در بر می‌گیرد (همان: ۲۴۳-۲۵۹).

۳. بخش دوم: جایگاه فرید زکریا در نظریه‌های واقع‌گرایی و پاسخ‌های نظری پساچنگ سرد

در این بخش جایگاه نظری فرید زکریا را در دو بُعد جایگاه او در میان واقع‌گرایان و پاسخ زکریا به بایسته‌های سیاست خارجی آمریکا در دوره پساچنگ سرد مورد بررسی و واکاوی قرار می‌دهیم. با وجود وجه‌شبهت‌هایی که میان واقع‌گراها وجود دارد، برخی تفاوت‌ها نیز در میان محققان واقع‌گرا مشاهده می‌شود. فرید زکریا از جمله واقع‌گرایانی است که سعی بر جمع میان ساختارهای داخلی سیاست خارجی و ساختار نظام بین‌الملل از یک طرف و جمع میان لیبرالیسم و واقع‌گرایی از سوی دیگر دارد. زکریا در نقد نوواقع‌گرایی متفکران این طیف فکری را به نادیده‌گرفتن سیاست‌های داخلی و تأثیرگذاری مؤلفه‌های داخلی (domestic) در سیاست خارجی و در سمت دیگر واقع‌گرایان تدافعی را به برجسته‌کردن بیش از حد و افراطی منابع داخلی متهم می‌کند (Legro and Moravcsik 1999: 24).

تمرکز بر مؤلفه‌های روان‌شناختی و جهت‌گیری‌های ادراکی رهبران سیاسی عامل تمایز دیگر زکریا در مقایسه با متفکران مادی‌گرای واقع‌گراست و این سبب شده است او در سمت متفکران ذهن‌گرای واقع‌گرا قرار گیرد. نزدیک‌شدن زکریا به مباحث شناختی و ادراک رهبران در سنت واقع‌گرایی مثال‌های مشابهی دارد. شولر (Schweller) در تحلیل رفتار سیاست خارجی کشورهای تجدیدنظرطلب به پدیده صلح دموکراتیک و جهت‌گیری‌های پرخاش‌گرایانه برخی رهبران دیکتاتور پرداخته است. استفان والت (Stephen Walt) در بحث شکل‌گیری ائتلاف‌ها به مفهوم موازنه تهدید (balance of threat) برای درک بهتر ائتلاف‌سازی‌ها می‌رسد. او ادراک رهبران را از تهدید دیگران در تهدیدآمیزدانستن یا نداستن قدرت دیگر دولت‌ها مهم ارزیابی می‌کند. ولفورث (Wohlforth) در نگاهی شبیه به زکریا برداشت رهبران را از قدرت (perception of power) مهم‌تر از وجود صرف قدرت خام (raw power) در جهت‌گیری سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ می‌داند.

توجه به ساختارها و منابع داخلی امری است که در تحلیل برخی واقع‌گرایان به آن پرداخته نشده است. زکریا ضمن ارزیابی دقیق از منابع و توانایی‌های دولت‌ها در بهره‌گیری از فرصت‌های داخلی این نوع تحلیل را به شکل برجسته‌ای در سیاست‌گذاری خارجی قدرت‌های بزرگ مورد مداخله علمی قرار می‌دهد (مشیرزاده ۱۳۹۱: ۱۳۱). زکریا

در تحلیل‌های خود از سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ به ساختارهای داخلی توجه دارد. توجه به تحولات تکنولوژیکی جدید در حوزه اقتصاد و منابع انرژی مانند گاز شل (Shale gas) (http://www.washingtonpost.com, 2012, shal gas) و تمرکز بر مفهوم صلح دموکراتیک و جمهوری‌خواهی لیبرالی به نظریه‌پردازی زکریا محتوای لیبرالی داده است (Legro and Moravcsik 1999: 29). او در مقاله‌ای برای احیای رؤیای آمریکایی پیش‌نهادهایی اقتصادی داده است: ۱. از مصرف به سمت سرمایه‌گذاری حرکت کنیم، ۲. آموزش مهم است، ۳. توجه به حوزه سلامت، ۴. افزایش بازده و سطح کیفی کارها (How to Restore The American Dream 2010, https://fareedzakaria.com/2010/10/21). در نقدی که بر تحلیل‌های زکریا شده است، فقدان نظریه‌ای برای تبیین چگونگی کارکرد دولت در استخراج منابع از درون جامعه از جمله مهم‌ترین نقدهایی است که به کارهای نظری او وارد می‌شود.

در مورد حوزه پژوهش‌های چرخه قدرت در دوره پساجنگ سرد و تأملات سیاست خارجی آمریکا در این دوره دو دیدگاه وجود دارد. پیش از پرداختن به این دو دیدگاه باید گفته شود که بررسی و تبیین چرخش قدرت در میان قدرت‌های بزرگ و شکل‌گیری قدرت‌های نوظهور در این چرخه سابقه مطالعاتی چندین دهه‌ای دارد. ویلیام مک‌نیل، گیون، اسپنگلر، پل کندی، و هانتینگتون در کنار ارگانسکی از جمله متفکرانی هستند که در حوزه جابجایی قدرت از شرق به غرب و بلوک‌بندی‌های قدرت بین شرق و غرب به تولید آثار علمی همت گمارده‌اند. مثلاً، پل کندی در کتاب مشهورش به‌نام *پیدایش و فروپاشی قدرت‌های بزرگ* به عوامل داخلی (internal factors) به‌طور خاص هزینه‌های بسط نظامی و کاهش قدرت اقتصادی در چرخش قدرت طی پانصد سال گذشته توجه دارد (کندی ۱۳۷۰). امسدن در پژوهشی متمرکز بر دولت‌های نوظهور شرقی تعامل فناوری، ساختار مالی داخلی از جمله بانک‌ها و بورس را با دولت در رقابت‌های جهانی در چرخش قدرت مؤثر می‌داند. او بر این باور است که در دولت‌های نوظهور شرقی این تعامل به‌خوبی برقرار شده است (Amsden 2001).

بعد از جنگ سرد با شروع افول آمریکا دو پرسش مطرح شد: چه قدر تک‌قطبی ادامه دارد؟ آیا ادامه‌دار شدن هژمونی آمریکا می‌تواند راه‌بردی به‌صرفه باشد (Layne 2012: 204). در پاسخ به دو سؤال کلان یادشده دو دیدگاه مطرح شد. در دیدگاه افول‌گرایانه، والتز و لاین بر این باور بودند که بعد از جنگ سرد آمریکا موازنه می‌شود و تک‌قطبی به‌پایان می‌رسد. شعار این دو این است که شکست سرنوشت هژمونی است. هر دو متفکر

در آثار خود اتحاد هابسبورگ و جنگ‌های جهانی را برای جلوگیری از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای و جهانی مثال می‌زنند (Waltz and Layne 1993). لاین در مقالات دهه اول قرن بیست و یکم خود در پرتو تحولات سیاسی و اقتصادی کنونی عنوان می‌دارد که از بحران مالی ۲۰۰۸ میلادی به بعد دو اتفاق افتاده است: ثروت جهانی و قدرت از غرب به شرق منتقل شده است و برتری آمریکا در اقتصاد به چالش کشیده شده است (Layne 2012: 203). ماهر در استدلالی مشابه والتز بیان می‌دارد کاهش قدرت آمریکا به علت مسئولیت (burdens) زیاد و فرسودگی (suseptibilities) است. به‌باور او، قدرت خام (raw power) آمریکا به‌صورت خودکار به برتری (pferences) تبدیل نمی‌شود. رشد قدرت‌های دیگر فضا را به سمت پسا — تک‌قطبی (post-unipolar) می‌برد (Maher 2011: 55). ماهر در دوره پسا — تک‌قطبی به سیاست‌گذاران کاخ سفید پیش‌نهاد می‌کند: نظم سیاسی باثبات (stable political order) در تعامل با دیگر قدرت‌های بزرگ ایجاد کنند، بازدارندگی و توازن قدرت (deterrence and power balancing) را در دستورکار قرار دهند، نهادهای بین‌المللی می‌توانند به برتری آن‌ها کمک کنند، و در آخر، از برتری طلبی قدرت‌های منطقه‌ای با استفاده از ابزارهای موازنه‌ساز جلوگیری کنند (ibid.: 67). در رویکرد اول که از آن بحث شد، افول قدرت آمریکا و حرکت به سمت جهان چندقطبی البته با تجویزهای متفاوت محورهای برجسته این رویکرد را شکل می‌دهند.

در نگاه دوم، خوش‌بینی به تداوم هژمونی آمریکا در نظام بین‌الملل وجود دارد. محققانی مانند ولفورث که به بقای وضعیت تک‌قطبی امیدوارند می‌گویند قدرت آمریکا آن‌قدر زیاد است که دیگر قدرت‌ها در بلندمدت از موازنه منصرف می‌شوند (Wholforth 2002; Wholforth 1999). او در اثری مشترک با بوکس اعلام کرد که هژمونی آمریکا خوش‌خیم (benevolent) است و دلیلی برای موازنه وجود ندارد. هژمونی آمریکا منافع اقتصادی و امنیتی زیادی برای متحدانش دارد (Books and Wholforth 2002). آمریکا در صورتی که دیگران را تهدید نکند احتمال موازنه وجود ندارد (Books and Wholforth 2008). جوزف نای در تحلیلی متفاوت و با بیانی تجویزگرایانه بقای هژمونی آمریکا را در تقویت قدرت نرم (soft power) آن می‌داند (Nye 2002). او تداوم وضعیت هژمونی را منتفی نمی‌داند. فرید زکریا در میان متفکران این دو رویکرد در دسته اول یعنی محققان افول‌گرا قرار می‌گیرد. او ضمن توجه به منابع داخلی، همواره سیاست‌گذاران کاخ سفید را به همکاری‌های اقتصادی و بعضاً سیاسی برای مهار دیگر قدرت‌های حاضر در آمریکای لاتین، شرق دور، و آسیای مرکزی به رهبری روسیه فرامی‌خواند.

۴. بخش سوم: نقد کتاب

۱.۴ نقد شکلی

درخصوص جامعیت صوری اثر نکات مثبت و منفی متعددی وجود دارد. درمورد شاخص‌های بررسی جامعیت صوری کتاب می‌توان به مواردی اشاره کرد. کتاب فاقد پیش‌گفتار و مقدمه است و به بدون ارائه بخشی به‌عنوان آغاز کتاب به‌سراغ بخش اول کتاب می‌رود. بخش‌های کتاب درواقع به‌صورت بخش‌بندی یا فصل‌بندی تبویب نشده‌اند و فقط به ذکر شماره‌ای در بالای عنوان هر بخش اکتفا شده است که این از نقاط منفی در کیفیت فنی این اثر علمی است. جدول، تصویر، نمودار، و شکل برای بیان کامل‌تر و القای روان‌تر مطالب مورد استفاده قرار نگرفته است و سراسر کتاب فقط با پاراگراف‌های بلند و خسته‌کننده پر شده است. خلاصه فصول، آزمون، و تمرین در کتاب دیده نمی‌شود. بخشی به‌نام کتاب‌شناسی در این اثر وجود ندارد و برای خواننده فرصتی برای به‌دست‌آوردن منابع بیشتر برای مطالعات گسترده‌تر فراهم نشده است.

همان‌طور که گفته شد، فهرست مطالب از عناوینی مانند فصل یا بخش بهره نبرده است که این نقطه‌ضعفی برای فهرست‌نویسی کتاب محسوب می‌شود. نگارش زیربخش‌ها در امتداد هر بخش نقطه مثبت فهرست‌نویسی کتاب است. اهداف نگارش کتاب به‌صورت طرح پرسش‌هایی کلیدی در بخش اول آورده شده است. درواقع، پاسخ به سؤالات مطرح شده هدف از نگارش کتاب بوده است (زکریا ۱۳۹۳: ۷). ذکر پیش‌نهادهایی برای سیاست‌گذاران دستگاه سیاست خارجی آمریکا در قالب طرح موارد شش‌گانه نقطه مثبت دیگر این کتاب در بخش سنجش جامعیت صوری است. کتاب فاقد بخشی به‌عنوان نتیجه‌گیری است. فقدان بخش نتیجه‌گیری به جمع‌بندی مطالب نویسنده کتاب در بخش‌های گذشته لطمه فنی وارد ساخته است.

نقد و تحلیل کیفیت چاپی و فنی اثر در هفت مورد بحث می‌شود. درمورد طرح جلد کتاب باید گفت که طراحی جلد کتاب به محتوای کتاب که دربردارنده تعامل آمریکا با دیگر قدرت‌های درحال ظهور است ارتباطی ندارد. تصویر مبهم چند ساختمان بر روی جلد کتاب و رنگ تمام‌مشکی پشت جلد تناسبی با عنوان کتاب نیز ندارد. نگارش بخشی از متن کتاب بر روی پشت جلد نکته مثبت طراحی جلد کتاب است. حروف‌نگاری کتاب با توجه به اندازه صفحات کتاب مناسب است و از استاندارد نگارش حروف برخوردار است. صفحه‌آرایی کتاب سادگی کتاب‌های انتشارات هرمس را دارد و پانوشته‌های هر صفحه در

همان صفحه رعایت شده است. جنس کاغذ و شیرازه کتاب ضعیف است و فاقد کیفیت لازم برای ارائه در حد و اندازه یک متن ترجمه‌ای علمی در طراز جهانی است. تایپ و حروف‌چینی کتاب از کیفیت و دقت لازم برخوردار است و در جریان مطالعه کتاب غلط چاپی و تایپی مشاهده نشده است. قواعد عمومی نگارش دستور زبان فارسی، که مجموعه‌ای از علائم سجاوندی و قواعد زبانی است، به صورت کامل و بدون نقص و کاستی در تمامی صفحات کتاب رعایت شده است. در نتیجه میزان روان و رسابودن اثر باید گفته شود که ترجمه به فارسی در کتاب‌های تخصصی مستلزم رعایت قواعد نگارش زبان فارسی و معادل‌سازی‌های تخصصی است. برخی اصطلاحات را مترجم نیازمند توضیح بیش‌تر دانسته است که به رسایی و وضوح بیش‌تر اثر کمک کرده است. مترجم در صفحه ۲۵۷ کتاب اصطلاح «اروپای جدید» را در پانویس همان صفحه به درستی توضیح داده است (همان: ۲۵۷). در صفحه ۴۲ قوانین اتحادیه در پانویس صفحه به‌طور موجز و کافی توضیح داده شده است (همان: ۴۲). در صفحه ۲۴۱ کتاب مفهوم انگلیسی «honest broker» به «واسطه‌آمین» ترجمه شده است که از رسایی و دقت بالایی برخوردار است (همان: ۲۴۱). در مجموع، بار کمی و کیفی شکل کتاب و رعایت نکات فنی و نگارشی قواعد کتاب‌نویسی در این اثر علمی از کیفیتی متوسط برخوردار است و برای عرضه به بازار کتاب و جامعه علمی روابط بین‌الملل و علوم سیاسی مناسب و درخور توجه است.

۲.۴ نقد محتوایی

نقد محتوایی کتاب در این بخش در قالب ده شاخص انجام می‌گیرد. نقد درون‌ساختاری کتاب به ارتباط فصول با یک‌دیگر به منظور برآورده ساختن هدف نگارش کتاب مرتبط می‌شود. کل اثر در هفت بخش مجزا و هر بخش در قالب پنج تا هفت زیربخش دسته‌بندی شده است. ترتیب قرارگرفتن عناوین از بخش اول تا بخش هفتم بیان‌گر نقشه ذهنی مؤلف برای پاسخ‌دادن و طرح بحث درباره تحولات اتفاق‌افتاده در دوره پساجنگ سرد و پاسخ به چالش‌های پیش‌روی سیاست خارجی آمریکا در این دوره است. عناوین استفاده‌شده در هر بخش کوتاه است و با محتوای همان بخش تناسب معنایی و محتوایی را دارد. سلسله‌مراتب عنوان‌گذاری از شکل‌گیری تحول در عرصه بین‌المللی آغاز می‌شود و در ادامه، ضمن اشاره به ظهور قدرت‌های غیرغربی، در نهایت، به عزم آمریکا در برخورد مؤثر و سازنده با وضعیت موجود منتهی می‌شود. در بخش اول با عنوان «خیزش دیگران» نویسنده طرح

اصلی کتاب را در قالب ارائه سؤالات پایانی این بخش پی می‌ریزد. زکریا در پایان این بخش به ذکر سه سؤال برای جهت‌دهی کلان به کل کتاب همت می‌گمارد. سؤال‌ها از این قرار است که تغییرات [اقتصادی و سیاسی] چه فرصت‌ها و چالش‌هایی با خود دارد و حامل چه پیامی برای آمریکا و جایگاه برتر آن است؟ دوران جدید به لحاظ جنگ و صلح اقتصاد و تجارت و فکر و فرهنگ چه منظری دارد؟ به‌طور خلاصه، زندگی در یک جهان پسا - آمریکایی چه معنا و مفهومی خواهد داشت (همان: ۷). دیگر بخش‌ها به‌منظور پاسخ‌دهی به سؤالات مطرح‌شده در این بخش پی‌ریزی شده‌اند.

بخش دوم با عنوان «فئان لبریز می‌شود» در پاسخ به تحولات موجود و تصویرسازی از وضعیت کنونی نوشته شده است. فئان استعاره از فضا و گستره سیاست جهانی که عمدتاً توسط تعاملات قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بزرگ شکل گرفته است بیان شده است. نیروهای مؤثر در سرریز شدن فئان سیاست جهانی در این بخش ذکر شده‌اند. «تهدید اسلامی»، «توسعه بزرگ»، «سه قوه: سیاست، اقتصاد، و فناوری»، «مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی»، و «خیزش ناسیونالیسم» از جمله این نیروها هستند (همان: ۱۰-۵۰). از میان این نیروها به علت نگاه واقع‌گرایانه زکریا به سیاست بین‌الملل توسعه قدرت‌های شرقی در بُعد اقتصاد بیش‌تر از دیگر نیروها جلب توجه کرده است به‌طوری‌که در ادامه خط اصلی تحلیلی و استدلالی کتاب به خیزش این قدرت‌های نوظهور متمرکز شده است و حجم اصلی دیگر بخش‌های کتاب را به آن‌ها اختصاص داده است. بخش سوم کتاب در امتداد بخش قبلی به صورت مبسوط‌تر نوشته شده است. این بخش اصول کلان نظم غیرغربی جدید را توضیح می‌دهد تا قسمتی از پاسخ به سؤالات بخش اول را در درون خود داشته باشد. یک جهان غیرغربی اصول و پایه‌های نوظهوری دارد که بیان‌گر مرگ و زوال نظم هژمون‌گونه قبلی است که در آن یک ابرقدرت و یک اصل ثابت رسیدن به توسعه وجود داشت. به‌باور زکریا، اکنون هریک از قدرت‌های نوظهور ضمن استفاده از تجربیات توسعه غربی، به الگوهای بومی خود نیز توجه لازم را مبذول می‌دارند (همان: ۶۱-۷۸). چالش‌گری دولت‌های نوظهور اقتصادی و سیاسی برای تصاحب سهم خود از کیک قدرت جهانی و بازارهای مصرفی در کنار رقابت‌های ژئوپلیتیکی بخش دیگری از پاسخ زکریا به مختصات تحولات سیاسی - اقتصادی کنونی است. چین و آمریکا - به تعبیر زکریا «اژدها و عقاب» - به فضایی جدید از رقابت‌های اقتصادی و امنیتی وارد شده‌اند. تضادهای پیش‌روی این دو بازیگر جهانی به صورت‌بندی‌های اقتصادی و امنیتی موجود شکل می‌دهند. در بخش بعدی نیمه دیگر لیوان یعنی حوزه منافع مشترک و همکاری این دو

قدرت جهانی مطرح می‌شود. تقویت نظام منع اشاعه، کنترل تروریسم، و همکاری‌های اقتصادی بخش دیگری از فضا‌سازی‌های صلح‌آمیز میان آمریکا و چین خواهد بود. زکریا در این تصویرسازی هند را بازیگری که بیش‌تر از چین به آمریکا نزدیک‌تر است و برای حفظ ثبات سیاسی و اقتصادی جهانی مفید است وارد تحلیل‌های کلان خود می‌کند (همان: ۹۶-۱۵۹).

اقتدار آمریکا در قرن بیست‌ویکم در مقایسه با قرن گذشته توسط رقبای غیرغربی به‌چالش کشیده شده است. در حوزه سیاست و اقتصاد با وجود پیش‌تازی آمریکا دیگر رقبا فاصله خود را نزدیک‌تر کرده‌اند و در بخش آخر زکریا برای تکمیل پروژه پژوهشی خود و پاسخ به سؤال «چه باید کرد؟» به رویکرد چندجانبه‌گرایی و حرکت در مسیر تعارض و همکاری با دیگر قدرت‌ها بسنده می‌کند (همان: ۱۸۶-۲۵۰). پیوستگی فصل‌ها و جهت‌گیری کل اثر برای تصویرسازی از جهان پساجنگ سرد با برجستگی مؤلفه اقتصاد سرمایه‌داری و درکنار آن ارائه پیش‌نهادهایی برای کاهش افول بیش‌تر آمریکا و عقب‌ماندن از مسابقه اقتصاد و سیاست جهانی به نظم تسلسلی و منطقی اثر قدرت و توان بسیاری بخشیده است. در محتوای نظام فکری فرید زکریا در بحث تصویرسازی از وضعیت موجود تناقضی اساسی وجود دارد که این تناقض به پیش‌نهادهای او برای سیاست خارجی آمریکا سرریز کرده است. تعامل اقتصاد و سیاست به‌صورت آن‌چه زکریا از آن همواره به‌صورت دوقطبی تعارض و همکاری یاد می‌کند اتفاق نمی‌افتد. در واقع، تصویرسازی ساده‌ای که زکریا از تعاملات اقتصادی سیاسی قدرت‌های بزرگ ارائه می‌کند و تصویر عمدتاً دوجانبه روابط قدرت‌های بزرگ با یک‌دیگر با اصل تضاد دائمی منافع قدرت‌های بزرگ با یک‌دیگر در نظام سرمایه‌داری که ابعاد پیچیده‌تر آن را در جنگ ارزی و موازنه تجاری شاهد هستیم و توجه نکردن زکریا به دیگر بازیگران جهانی مانند روسیه در تعاملات غرب و شرق به کاستی‌ها و تناقضات مبتنی بر ساده‌سازی‌های بیش از حد پیچیدگی‌های نظام سرمایه‌داری و رقابت‌های راه‌بردی منتهی شده است. منطق تصویرسازی و پیش‌نهادهای زکریا با فضای پرتنش سیاست و اقتصاد جهانی هم‌خوانی ندارد و تصویرسازی و پیش‌نهادهای او بسیار کلی، مبهم، و کاریکاتورگونه است. با وجود این، منطق تسلسل او در پی‌گیری همان خط استدلالی که در ابتدای کتاب دنبال می‌کرد تا انتهای کتاب با کم‌ترین نقص ممکن روبه‌روست. در شاخصه سنجش منابع استفاده‌شده در کتاب وضعیت این اثر علمی از این نظر ضعیف است. در بخش‌های قبلی نوشتار پیش‌رو از نویسندگانی مانند والتز و لاین، که به‌صورت نظری درباره افول و متوازن‌شدن قدرت آمریکا در مقایسه با دیگر رقبا معتقدند،

بحث و بررسی به‌میان آمد؛ زکریا از این مورد استفاده کافی و رضایت‌بخشی را به‌عمل نیاورده است. در واقع، کتاب فاقد ارجاعات کافی به آثار نظری مهم روابط بین‌الملل در حوزه نظم نظام بین‌الملل در دوره پسا‌جنگ سرد است. نویسنده به‌علت قلم روزنامه‌نگارانه و رسانه‌ای از ارجاعات مهم نظری غافل مانده است و در مباحث نظری کتاب بیش‌تر از اظهارنظرهای شخصی مایه گذاشته است.

اعتبار منابع علمی در این اثر شامل سه دسته کتاب‌ها، مقالات، و آمارنامه‌ها می‌شود. در دسته کتاب‌ها نویسنده از منابع نویسندگان بزرگ روابط بین‌الملل مانند هاتینگتون و فرگوسن استفاده کرده است، اما تعداد این منابع با توجه به حجم کتاب اندک است. در بخش بهره‌گیری از مقالات نیز بزرگانی مانند منرز و لندز بهره‌ فراوان برده شده است، اما این بخش نیز مانند بخش بهره‌گیری از کتاب از استفاده‌نکردن کافی و بیش‌تر از منابع معتبر آسیب دیده است. در بخش آمارنامه‌ها بسیاری از ادعاهای نویسنده کتاب فاقد منبع آماری مناسب است. مثلاً، در صفحه ۱۲۱ نویسنده بدون ذکر منبع به ارائه آمارهای اقتصادی اقدام کرده است (زکریا ۱۳۹۳: ۱۲۱). برخی ادعاهای نویسنده کتاب فاقد منبع و رعایت امانت در نگارش متون علمی و دانشگاهی است. نویسنده در برخی ادعاهای خود، که به‌صورت آماری مطالبی را بیان کرده است، از ذکر منبع غفلت کرده است. مثلاً، در صفحه ۱۰۰ و ۱۱۳ ادعاهای آماری نویسنده فاقد منابع برای ارجاع‌دهی است. در چاپ کتاب منابع در آخر کتاب به‌صورت بخش به بخش آورده شده است و از این نظر نقد دیگری را می‌توان به ارجاع‌دهی‌های کتاب وارد کرد و آن این است که بهتر بود منابع در پایان هر بخش یا به‌صورت پانوش در پایین همان صفحه برای سهولت دسترسی سریع خواننده به منبع سخن ذکر می‌شد. به‌علت ضعف در منبع‌نگاری و نداشتن پیشنهادهای مناسب برای مطالعه بیش‌تر برای خواننده این اثر علمی بیش‌تر از آن‌که جنبه علمی و تحقیقاتی در طراز بالای جهانی را داشته باشد می‌توان از آن به‌عنوان منبعی مناسب برای آشنایی بیش‌تر با دیدگاه متفکران آمریکایی در مورد تحولات پسا‌جنگ سرد و متنی رسانه‌ای - تبلیغاتی استفاده کرد.

در شاخص نقد وضعیت تحلیل و بررسی اثر، که معیاری برای ارزیابی جوهره بافت استدلالی نویسنده شناخته می‌شود، نکاتی وجود دارد. مسئله موردبررسی در کتاب خیزش دیگر قدرت‌های غیرغربی در برابر قدرت آمریکا به‌عنوان ابرقدرت بعد از جنگ سرد است. استدلال اصلی کتاب پیشی گرفتن دیگر قدرت‌های غیرغربی در بُعد اقتصادی از آمریکا است (همان: ۱۸-۲۱). این مهم با بحث در مورد منابع و انگیزش‌های این قدرت‌ها و آمار اقتصادی یک دهه اخیر به‌اثبات رسید. کیفیت تحلیل به‌علت ضعف در استفاده از منابع

علمی و تکرار بیش از حد مباحث به صورت آماری کاستی‌هایی دارد. باتوجه به تحولات تاریخی چین و هند جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این دو کشور می‌توانست به صورت مبسوط‌تر در دوره پسا جنگ سرد، که به خیزش این دو کشور منجر شد، بررسی و تبیین شود. نویسنده آرا و نظرات دیگران را نقد نکرده است و فقط به منظور اثبات ادعاهای خود قلم‌فرسایی کرده است. زکریا در تبیین مسئله تحقیق به علت احاطه‌ای که بر مسائل سیاست جهانی به عنوان خبرنگار و ستون‌نویس مجلات و روزنامه‌ها دارد در تبیین دقیق فضای تازه شکل گرفته کنونی دارای توانایی‌های علمی قابل توجهی است، اما در ارزیابی‌های نظری و تبیین دقیق نظری تصویرسازی‌های خود در دوره پسا جنگ سرد ضعف‌های آشکار و پنهانی دارد. نویسنده کتاب ادعا دارد که فقط به مسئله خیزش عمدتاً اقتصادی دیگر قدرت‌ها در برابر آمریکا می‌پردازد، اما در جریان این بررسی به علت پای‌بندی و تعلق خاطرش به فرهنگ و سنت‌های غربی و آمریکا کم‌وکاستی‌های قدرت‌های نوظهور را در ابعاد سیاسی و فرهنگی در مقایسه با تمدن غرب و با معیارهای غربی و آمریکایی می‌سنجد و نقد می‌کند. در صفحه ۱۵ کتاب، جنبش‌های ضد غربی اسلامی محصول نگاه‌های پوچ و متفوق بیان شده است که به اشتباه دارای قوت و یک‌پارچگی تحلیل می‌شوند (همان: ۱۵). به‌باور زکریا این دسته‌ها هدف واحد ندارند. در صفحه ۱۰۴، نویسنده حکام چینی را نگران شورش‌های داخلی معرفی می‌کند و این تحلیل مبتنی بر معیارهای غربی در برداشت از آزادی و فرد طلبی است (همان: ۱۰۴). این در حالی است که چینی‌ها در فرهنگ کنفوسیوسی آزادی و همکاری دسته‌جمعی را دقیقاً مانند غربی‌ها تعریف نمی‌کنند. جهت‌گیری غرب‌مدار و مبتنی بر ارزش‌های لیبرال دموکراسی و سرمایه‌داری غربی در بحث از ارزیابی کشورها در قدرت‌گیری و آنچه او با عنوان «خیزش» از آن نام می‌برد در تمامی استدلال‌های نویسنده به چشم می‌آید. قدرت اقتصادی و رقابت‌های سیاسی جوهره قدرت‌گیری غرب و معیارهای خوب یا بد بودن سیاست خارجی را در چهارچوب تمدن غرب و باورهای جهت‌گیری‌شده زکریا تشکیل می‌دهد.

نوآوری و روزآمدی شاخصه‌ای است که در ارزیابی متون علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از جایگاه بالایی برخوردار است. طرح بحث خیزش دیگر قدرت‌های غیر غربی و موازنه‌سازی قدرت آمریکا نوآوری و ابداع نظری و تحلیلی محسوب نمی‌شود. در بخش‌های قبلی دو رویکرد نظری واقع‌گرایی را در مورد ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ بررسی کردیم؛ بنابراین از تکرار آن‌ها خودداری می‌کنیم. زکریا در این کتاب نظریه جدیدی در روابط بین‌الملل ارائه نکرد. امتیاز این کتاب در مقایسه با دیگر آثار علمی در سبک توأم

با ذکر منابع و آمارهای اقتصادی زکریا و نگاه ویژه‌ای است که او در متنوع‌دیدن منابع قدرت نزد قدرت‌های بزرگ دارد. صراحت قلم نویسنده به‌همراه استفاده مکرر از آمار برای اثبات ادعاهای خود دو نوآوری نگارشی درخشان است که در آثار مربوط به روابط بین‌الملل، که بعضاً به کلی‌گویی بسنده می‌کنند، کم‌تر دیده می‌شوند. ساختار بحث خلاقیت و نوآوری ندارد و مانند دیگر آثار دانشگاهی دارای ادعاهای نظری و تحلیل و استفاده از برخی اطلاعات و داده‌های گزینشی به‌منظور اثبات مدعاهای آغازین است. با توجه به استفاده نویسنده از آمارهای اقتصادی در فرایند اصلی استدلال خود انتظار می‌رفت که منابع آماری از منابع دست‌اول پایگاه‌های آماری ملی و جهانی باشد. متأسفانه، نویسنده از منابع آماری در دیگر کتاب‌ها به‌شکل دست‌دوم و به‌صورت ارجاع به نویسنده‌های کتاب‌ها و نه پایگاه‌های آماری اصلی ملی و جهانی بهره برده است. کتاب در ۲۰۰۸ م چاپ شده است و منابع مورداستفاده بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ م قرار گرفته‌اند و از این نظر نویسنده تلاش کرده است تا از منابع به‌روز و جدید استفاده کند. این بهره‌گیری از منابع جدید از نقاط قوت این اثر است.

دو مفروض نویسنده در نگارش کتاب به‌ترتیب برتری اقتصاد و مؤلفه‌های سرمایه‌داری در قدرت نظامی در خیزش دیگر قدرت‌ها و جابه‌جایی در ساختار قدرت جهانی در دهه‌های آتی است. هر دو مفروض در بخش اول کتاب به‌صورت غیرمستقیم ذکر شده است (همان: ۳-۷). زکریا نه تنها در بخش دوم کتاب، بلکه در بخش‌های دیگر کتاب با استفاده از استعاره «لبریز شدن فنجان» به برجسته‌شدن مؤلفه‌های اقتصادی در شکل‌گیری تحولات موجود با ذکر مثال‌هایی از توانایی‌های ساختار اقتصادی چین و هند به مفروضات خود ارجاعات آماری می‌دهد. سراسر بخش دوم کتاب مملو از آمارهایی درباره رشد اقتصادی چین و هند است (همان: ۱۲-۵۵). این مفروضات با جوهره تعالیم اسلامی تا حدود بسیاری در تضاد است. تعامل سیاست و مذهب در کتاب به حداقل ممکن رسیده است و مذهب در قالب فرهنگ به‌صورت ابزاری در خدمت اقتصاد و توان‌مندی‌های مادی دیده شده است. این نوع نگاه برآمده از فرهنگ علمی سکولار غربی است که همه‌چیز ابزاری برای سلطه‌جویی‌های دنیوی محسوب می‌شود. در پیش‌فرض‌های نظری نویسنده عناصر تحلیلی مانند سلطه‌جویی مادی به‌عنوان امری مطلوب و پسندیده و رشد اقتصادی و سیاسی به‌عنوان غایت اهداف بشری به‌چشم می‌آید. موارد یادشده با اصول دینی و اسلامی که غایت اهداف انسان‌ها را سعادت اخروی می‌داند و نقش محوری را به اخلاق می‌دهد در تضاد است.

ابزارهایی که در این کتاب برای القا و بیان اهداف مدنظر نویسنده از آن‌ها استفاده شده است عبارت‌اند از کتاب‌ها، مقالات، و گزارش‌هایی که نویسنده کتاب به صورت گزینشی از آن‌ها بهره برده است. نقدهایی که به منابع مورداستفاده فرید زکریا شده است در بخش نقد منابع آورده شده است. نقد دیگر این است که تصاویر، نقشه‌ها، و نمودارهای آماری و تفصیلی با وجود اهتمام نویسنده به کمی‌سازی مباحث خود مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته است. در هیچ‌یک از صفحات کتاب اثری از نمودار و ابتکارات تصویری و نمایه‌ای به چشم نمی‌خورد و این یکی از ضعف‌های عمده در بهره‌گیری از ابزارهای لازم علمی است. فرید زکریا برای تبیین دقیق‌تر مسائل مورد بررسی در کتاب از اصطلاحات و نوآوری‌های مفهومی دیگر محققان استفاده کرده است. اصطلاح «دنیای نو» برای فهم دقیق نگاه مهاجران به آمریکای شمالی و ساخته شدن آن در بخش سوم کتاب و اصطلاح «جامعه هماهنگ» برای توصیف پیوندهای مختلف درون‌سرزمینی در چین برای ارتقای وضعیت و نقش جهانی چین در نظام بین‌الملل از جمله مفاهیم به‌عاریت گرفته شده توسط زکریاست. در کتاب مورد بررسی، زکریا به ابداع مفهومی دست زده است: مفهوم «خیزش دیگران» ساخته ذهن خلاق فرید زکریاست و برای ارائه تصویری دقیق‌تر از پویای متحول‌کننده ساختار نظام بین‌الملل مفهومی مناسب برای تبیین آنچه او به دنبال آن است به‌شمار می‌آید. مفهوم «واسطه‌امین» در صفحه ۲۴۱ کتاب مفهومی است که زکریا ابداع کرده است (همان: ۲۴۱) و به‌زعم او، پاسخی است بر ابهامی که در نقش جدید آمریکا در جهان پسا- آمریکا پیش‌نهاد شده است.

در مورد نیازهای جامعه ایرانی - اسلامی به‌علت وجود مبانی مادی و لیبرالی حاکم بر کتاب ضمن نداشتن نظریه‌ای جدید در روابط بین‌الملل از حداقل پاسخ‌گویی به نیازهای نظری و علمی جامعه پژوهشی ایرانی برخوردار است. ارائه تصویری از نظام بین‌الملل از زاویه یک متفکر دانشگاهی آمریکایی و نقد این تصویرسازی می‌تواند مهم‌ترین نقطه قوت کتاب فرید زکریا برای محققان و دانشجویان ایرانی باشد. کتاب جهان پسا - آمریکایی می‌تواند این درک را از زاویه نگاه متفکری آمریکایی مبنی بر این که آن‌ها دنیا را چگونه می‌بینند مورد بهره‌برداری نظری و تحلیلی قرار دهد. اما مبانی مدنظر زکریا با اهداف انقلابی و اسلامی طراحان نظام آموزشی کشورمان دچار تضادهای جدی است. بنابراین، بهره‌گیری از این منبع باید با احتیاط نظری و با در نظر گرفتن مبانی اسلامی توأمان شود. در جمع‌بندی این بخش به نظر نگارنده این سطور کتاب از سطح کیفی خوبی برای ارائه در بازار کتاب کشور برای ارتقای سطح دانش نظری و مهارت‌های

تحلیلی دانش‌آموختگان روابط بین‌الملل و علوم سیاسی برخوردار است. فارغ از نقاط ضعف کتاب در ابعاد مختلف که در سطور پیش به صورت مفصل بیان شد، کتاب از ارزش بالایی برای یادگیری مسائل جهان پسا - جنگ سرد و تحولات پرشتاب اقتصادی بهره‌مند است.

۳.۴ نقد و تحلیل روش شناختی

در علوم انسانی و به‌طور خاص علوم سیاسی سه نوع دانش وجود دارد: ۱. علم امپریکال و تکنولوژیک که معطوف به کنترل ابزاری محیط است، ۲. دانش تأویلی یا تفسیر تاریخی و فرهنگی که با نیاز به فهم و همکاری بیناسوژگی مرتبط است، و ۳. تحلیل دیالکتیک - انتقادی که با علاقه به رهایی مرتبط است؛ نوع سوم دانش معطوف به رهایی است (منوچهری و دیگران ۱۳۸۷: ۲۷).

کتاب *جهان پسا - آمریکایی* از نوع دانش دسته اول است. زکریا یکی از نخبگان ابزاری جامعه دانشگاهی و رسانه‌ای آمریکاست که مانند بسیاری از نخبگان تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا مانند هانتینگتون، جرج کنان، جوزف نای، و والتز دغدغه افول و رفع چالش‌های پیش‌روی سیاست خارجی این کشور را در آثار منتشرشده به صورت دغدغه‌ای دائمی در نظر داشته‌اند. فرید زکریا نیز از این مجموعه مستثنی نیست. نقطه تمرکز او بر بقای قدرت آمریکا در سطح جهانی و کاهش افول این کشور است. برای تحقق این دغدغه مهم او در ابتدا با استفاده از روش پژوهشی ترکیبی که شامل روش کمی و تفسیری است دست به تصویرسازی از وضعیت موجود می‌زند و در ادامه، با استفاده از دو رویکرد قیاسی و استقرایی به صورت جداگانه در بخش‌های مختلف کتاب ضمن تثبیت ادعاهای خود به تجویز سیاست خارجی آمریکا برای نخبگان تصمیم‌ساز مبادرت می‌ورزد. استفاده زکریا از روش‌های مختلف در بخش‌های مختلف کتاب از جمله نقاط قوت کتاب او محسوب می‌شود. استقرا روشی است که زکریا با ارائه آمارهای کمی و استنتاج از آن‌ها برای شکل‌دهی به تصویری متفاوت از دوره‌های قبل از جنگ سرد در اکثر سطور کتاب و به‌طور خاص بخش دوم و سوم به چشم می‌آید (زکریا ۱۳۹۳: ۲۳ - ۷۵). قیاس روش دیگری است که زکریا با مقایسه وضعیت امپراطوری آمریکا با وضعیت امپراطوری بریتانیا و شباهت‌های هردو در درگیری‌های نظامی با قدرت‌های کوچک، که به افول هردو انجامیده است، استفاده کرده است (همان: ۱۷۷ - ۱۸۰).

تلاش زکریا برای بهره‌گیری از روش‌های مختلف به منظور رسیدن به اهداف خود، که شامل ارائه تصویری از ساختار نظام بین‌الملل پساجنگ سرد و ارائه پیشنهادهایی برای سیاست خارجی آمریکا برای برون‌رفت از وضعیت بن‌بست‌گونه سیاسی و اقتصادی موجود است، با نقد جدی باهاتی از این کتاب روبه‌رو بوده است. باهاتی ضمن اشاره به آشفتگی‌های روش‌شناختی و تصویرسازی‌های ناقص و مبهم از ساختار نظام جهانی توسط زکریا بر این باور است که زکریا ضمن ناکام‌ماندن در ارائه تصویری دقیق از سیاست خارجی آمریکا درباره چالش آمریکا در عراق حرفی برای گفتن ندارد. او در ادامه به حوادث تاریخی کتاب اشاره می‌کند و می‌گوید که کتاب درباره اشتباه‌های گذشته آمریکا بحثی ندارد و راه‌حل‌های کتاب برای سیاست خارجی ابرقدرت روبه‌افول در طراز آمریکا جنبه اجرایی ندارد (Bahatti 2009: 117- 121).

۵. نتیجه‌گیری

در کتاب جهان پسا-آمریکایی فرید زکریا به دنبال ارائه تصویری عمدتاً سیاسی - اقتصادی از تحولات پساجنگ سرد بود تا در سایه آن ضمن تبیین وضعیت موجود به ارائه پیشنهادهایی کاربردی برای نخبگان سیاست خارجی آمریکا مبادرت کند. ظهور قدرت‌های شرقی چین و هند در سطح اقتصاد بین‌المللی و همین‌طور برزیل در آمریکای لاتین به تغییر ساختار قدرت بین‌المللی منجر شده است. چین با هدایت دولتی اقتصاد داخلی و تمرکز حزب کمونیست بر رشد اقتصادی متوالی چند دهه اخیر توانسته است گوی سبقت را از بسیاری از رقبای شرقی برآید و در صدد هم‌وردی با غرب و آمریکا برآمده است. در کنار چین، هند با بخش خصوصی فعال و قدرت‌مند خود در کنار بهره‌گیری از سنت‌های عمل‌گرایی هندی در سیاست خارجی هم‌چون چین به رشد و پویایی در سطح نظام بین‌الملل همت گمارده است. زکریا راه‌حل برخورد با وضعیت پیچیده موجود را چندجانبه‌گرایی و واسطه‌گری آمریکا در بحران‌های مهم منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور جلوگیری از افول بیش‌تر آمریکا می‌داند. نگارنده در سطور آخر این نوشتار بر این باور است که کتاب‌ها و منابع علمی نوشته‌شده درباره سیاست خارجی آمریکا برای بومی‌سازی علم روابط بین‌الملل در داخل کشور مفید و سازنده است. اول آن‌که مطالعه این دست از کتاب‌ها، ضمن افزایش سطح معلومات و مهارت‌های تحلیلی پژوهش‌گران داخلی، تمرین خوبی برای نظریه‌پردازی و قلم‌زدن در حوزه روابط بین‌الملل با استفاده از مبانی و اصول

انقلاب اسلامی است. امری که زکریا با استفاده از علم سکولار غربی در اثر کنونی و گذشته خود موفق به انجام آن شد. دوم این که نقد کتاب‌هایی از این دست با استفاده از اصول تفکر اسلامی و انقلابی به تدقین و صیقل خوردن مبانی نظری علم روابط بین‌الملل ایرانی - اسلامی یاری می‌رساند.

کتاب‌نامه

- زکریا، فرید (۱۳۹۳)، *جهان پسا - آمریکایی*، ترجمه احمد عزیزی، تهران: هرمس.
- کندی، پل (۱۳۷۰)، *پیدایش و فروپاشی قدرت‌های بزرگ*، ترجمه عبدالرضا غفرانی، تهران: اطلاعات.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.
- منوچهری، عباس و دیگران (۱۳۸۷)، *ره‌یافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: سمت.
- Amsden, Alice (2001), *The Rise of The Rest: Challenges to the West from Late-Industrializing Economies*, Oxford University Press.
- Bahatti, Imtiaz (2009), "The Post-American World (Book Review)", *Policy Perspectives*, vol. 16.
- Barlow, Jeffrey (2009), "The Post American World (Review)", *The Journal of Education Community and Values*, vol. 8.
- Brooks, S. G. and W. C. Wohlforth (2002), "American Primacy in Perspective", *Foreign Affairs*, vol. 81, no. 4.
- Brooks, S. G. and W. C. Wohlforth (2008), *World out of Balance: International Relations and the Challenge of American Primacy*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Layne, C. (1993), "The Unipolar Illusion: Why New Great Powers Will Rise", *International Security*, vol. 17, no. 4.
- Layne, Christopher (2012), "This Time it is Real: The End of Unipolarity and the Pax American", *International Studies Quarterly*, vol. 56.
- Legro, Jeffrey and Andrew Moravcsik (1999), "Is Anybody Still a Realist", *International Security*, vol. 24, no. 2.
- Maher, Richard (2011), *The Paradox of American Unipolarity: Why the United States May be Better off in a Post-Unipolar World*, New York: Orbis.
- Nye, J. S. J. R. (2002), *The Paradox of American Power: Why the World Only Superpower Can not Go it Alone*, New York: Oxford University Press.
- Waltz, K. N. (1993), "The Emerging Structure of International Politics", *International Security*, vol. 18, no.2.
- Wohlforth, W. C. (1999), "The Stability of a Unipolarity World", *International Security*, vol. 24, no. 1.

Wohlforth, W. C. (2002), *U. S. Strategy in a Unipolar World*, in America University, Cornell University Press.

Zakaria, Fareed (1998), *From Wealth to Power*, Princeton University Press.

Zakaria, Fareed (2003), *The Future of Freedom*, Norton & Company.

Zakaria, Fareed (2015), *In Defense of a Liberal Education*, Norton & Company.

Zakaria, Fareed and James Hoge (1997), *The American Encounter: the United States and the Making of the Modern World Essays from 75 Years of Foreign Affairs*, Basic Books.

منابع دیگر

برای مشاهده یادداشت مروری بر کتاب *جهان پسا* - آمریکایی در سایت ایران‌دیپلماسی، بنگرید به <http://www.irdiplomacy.ir>.

برای مشاهده یادداشت مروری بر کتاب *جهان پسا* - آمریکایی در سایت پژوهشکده مطالعات آمریکا، بنگرید به <http://usrin.iwstudies.com>.

برای مشاهده یادداشت گاز شل یک بدیل برای نفت برای تقویت اقتصاد آمریکا در سایت واشنگتن‌پست، بنگرید به <https://www.washingtonpost.com>.

برای مشاهده یادداشت «چگونه رؤیای آمریکایی را احیا کنیم؟» در سایت فرید زکریا، بنگرید به <https://fareedzakaria.com>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی